

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۸۰

۹ خرداد ۱۳۹۷ / ۳۰ مه ۲۰۱۸

حقوق ما

حق اعتصاب

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: مریم دهکردی، معین خزائلی، نیلوفر جعفری

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

اعتصاب می کنم چون هستم



در کارخانه ای که ندانند قدر کار



از ممنوعیت تا حق اعتصاب

اعتصاب ها در ایران از گذشته تا امروز



اعتصاب؛ حقی که در ایران به رسمیت شناخته نمی شود





اعتصاب می‌کنم چون هستم



نعیمه دوستدار

اعتصاب را اغلب کشورهایی که نظام دموکراتیک دارند به عنوان شیوه‌ای برای اعتراض افشار مختلف کارگری به حقوق خود به رسمیت می‌شناسند و تنها در محدود مواردی برای برخی از گروه‌ها مانند پزشکان که سر و کارشان با حیات انسان‌هاست، محدودیت دارد. اعتصاب یک شیوه اعمال فشار برای زندانیان محروم از حقوق هم هست؛ شیوه‌ای که در آن فرد زندانی از جان خود برای اعتراض مایه می‌گذارد.

ویژگی اعتراض این است که اعتصاب‌کنندگان در آن دست به اقدامی موثر و مستقیم می‌زنند و شیوه اعتراض‌شان قادر است بیش از شیوه‌های دیگر افکار عمومی را نسبت به موضوع حساس و آگاه کند و در مقابل افکار عمومی، بی‌توجهی مسوولان را به نمایش بگذارد. اعتصاب شیوه‌ای است که بر اساس آن دولت، کارفرمایان یا مسوولان زندان وادار به واکنش و مجبور به مذاکره برای بررسی مطالبه اعتصاب‌کنندگان می‌شوند. در اعتصابات کارگری، کارگران این امکان را به دست می‌آورند که با تکیه بر نیروی جمعی، بر مطالبه خود پافشاری کنند و به اتحاد عملی‌تری دست بزنند.

اگر اعتصاب به درستی پیش برود، خود اعتصاب‌کنندگان

اعتصاب از پی انقلاب صنعتی پیدا شد و طبقه کارگر برای دفاع از **حقوق** خود در برابر **کارفرمایان** دست به تشکیل **سازمان‌هایی** زدند و که از طریق این سازمان‌ها با اعتصاب برای رسیدن به خواست‌های **کارگران** استفاده کنند. در آن زمان، دولت‌ها و کارفرمایان با انواع وسایل و حتی به کمک نیروی پلیس، اعتصاب‌ها را در هم می‌شکستند و اعتصاب‌کنندگان را به خاک و خون می‌کشیدند، اما از نیمه قرن ۱۹ به بعد، بر اثر مبارزات کارگران، اعتصاب رفته‌رفته صورت قانونی یافت و به میان دیگر گروه‌های اجتماعی (کارمندان، دانشجویان، و کارکنان مشاغل آزاد) نیز راه یافت.

از اوایل قرن بیستم، احزاب سازمان‌های سیاسی از اعتصاب همگانی برای رسیدن به هدف‌های سیاسی هم استفاده کردند و پیروان سندیکالیسم و آنارشیزم از اعتصاب به عنوان حربه‌ای کارآمد برای واژگون کردن **دولت** استفاده کردند. اعتصاب همگانی تمام یا اکثر کارگران حوزه‌های گوناگون **صنعت** و **ارتباطات** یک شهر، ناحیه، یا کشور، برای رسیدن به هدف‌های سیاسی یا حرفه‌ای خود می‌تواند کل نظام سیاسی را در هم بشکند.

که فشار گروهی و توجه افکار عمومی، زمینه را برای تصمیم‌گیری مناسب ایجاد کند. اما در ایران این حق نیز مانند سایر حقوق کارگران یا زندانیان چندان به رسمیت شناخته نمی‌شود و اعتصاب‌کنندگان با اقدامات تنبیهی و اتهاماتی نظیر اقدام علیه امنیت ملی روبه‌رو می‌شوند. ایران از جمله کشورهایی است که در آن اعتصاب به رسمیت شناخته نمی‌شود اما کارگران و زندانیان سیاسی و صاحبان مشاغل گوناگون اغلب آن را به کار می‌گیرند و به ویژه در ماه‌های اخیر اعتصاب کامیون‌داران در سراسر ایران که بیش از ده روز طول کشید، به یکی از خبرسازترین اعتراضات ایران تبدیل شد. این شماره مجله حقوق ما به حق اعتصاب می‌پردازد؛ اینکه این حق تا چه حد در قوانین ایران تضمین شده و برای تحقق آن چه موانعی بر سر راه است.

یا نمایندگانشان دعوت به مذاکره می‌شوند و در صورت وجود تشکل‌های صنفی و در مورد زندانیان در صورت وجود نهادهای حقوق بشری خواسته اعتصاب‌کنندگان امکان تحقق بیشتری می‌یابد. واکنش خانواده‌ها و افکار عمومی به اعتصاب اغلب گسترده است و آنها را با معترضان همراه می‌کند: مثلاً آنها نیز در اعتصابات شرکت می‌کنند یا دست به اعتصاب غذا می‌زنند. این مساله به ایجاد احساس همدلی و حمایت در میان اعتصاب‌کنندگان کمک می‌کند و در نهایت اینکه اعتصاب اگر در حوزه اشتغال باشد، با ایجاد اختلال در چرخه اقتصادی، امکان تسلیم و تن دادن کارفرمایان به خواست کارگران را فراهم می‌کند و در مورد زندانیان به دلیل خطر مرگ ممکن است مقامات قضایی و زندان به شنیدن خواست زندانی آسان‌تر تن دهند. به این ترتیب در صورت اعتصاب می‌توان امید داشت

در کارخانه ای که ندانند قدر کار



نقی محمودی

محمد علی صائب تبریزی، شاعر قرن یازدهم هجری قمری و نامدارترین شاعر دوره صفویه و همچنین پایه گذار سبک هندی در غزل، در یکی از غزلیات خود چنین بیتی سروده است: در کارخانه‌ای که ندانند قدر کار/ از کار هر که دست کشد کاردان تر است

با دقت در این بیت می توان دریافت که هر چند در دوره حیات صائب تبریزی، کارخانه به مصداق امروزی، مکانیزه و پیش رفته‌اش وجود نداشته و همچنین روابط بین کارگر و کارفرما به شکل امروزی اش حاکم نبوده ولی با این وجود، حق اعتصاب کارگر در صورت عدم رعایت حقوقش از سوی کارفرما، در ادبیات به رسمیت شناخته شده است.

مفهوم اعتصاب

اعتصاب، عبارت از توقف دسته جمعی و هماهنگ کار از سوی کارگران یا کارکنان، به منظور اعمال فشار بر روی کارفرما (اعم از بخش خصوصی و دولتی) به منظور قبولاندن خواسته‌های صنفی شان است.

اعتصاب نوعی اعمال قدرت از سوی جمع کارگران به شمار می‌رود، تا بدین وسیله با تحت فشار قرار دادن کارفرما امتیازاتی را به منظور ارتقا و بهبود شرایط کار و معیشت خود به دست آورند.

انواع اعتصاب

اعتصاب، از لحاظ شکل انواع گوناگونی دارد که عبارتند از:

تحریم کار، کم کاری، خودداری از اضافه کاری، اعتصاب نشست، اعتصاب تهدیدکننده، اعتصاب نوبتی، اعتصاب ناگهانی، اشغال محل کار، اعتصاب همدردی.

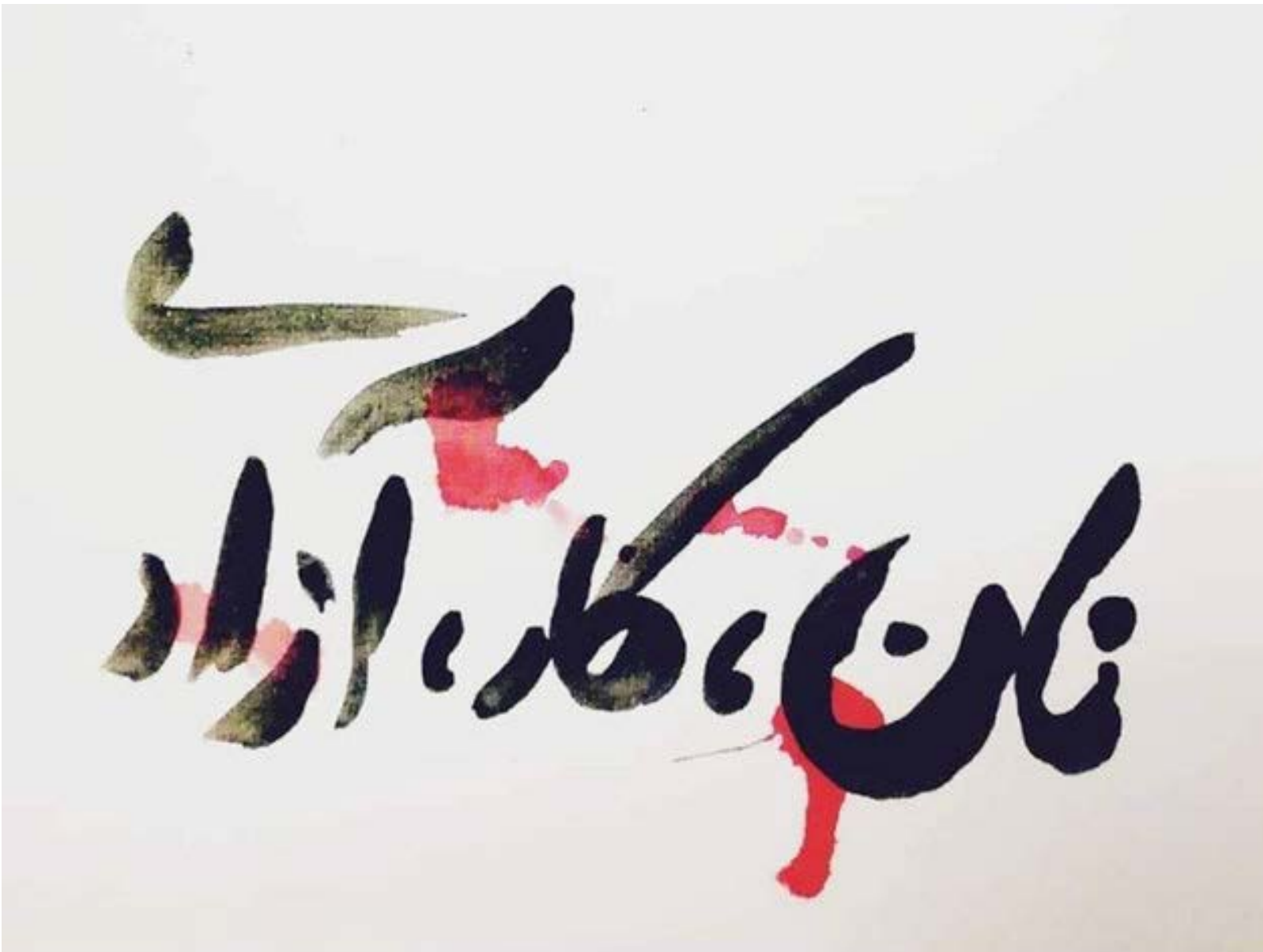
علل اعتصاب

به طور کلی اعتصاب حاصل از نارضایتی کارکنان از وضعیت موجود است. در بیشتر موارد علت اعتصاب این است که کارگر بیش از تمایل و توان خود کار می‌کند اما حقوق دریافتی اش تکافوی احتیاجات او و خانواده‌اش را نمی‌کند. در ایران، وضعیت کارگران به مراتب، حادتر است بدین معنا که در ایران، کارگران حتی در صورت دریافت ماهیانه و مرتب حقوق خود، به دلیل نازل بودن حقوق و مزایا، قادر به اداره زندگی خود نیستند. با این وصف، گاه به مدت چندین ماه حقوق شان پرداخت نمی‌شود و ناگفته روشن است که در این صورت، متحمل چه مصائب و مشکلاتی می‌شوند.

شایع‌ترین علل اعتصاب عبارتند از: درخواست افزایش ساعات کار، درخواست کاهش ساعات کار، اعتراض به قوانین کار ناقص، مبهم و رعایت یک طرفه حقوق کارفرما در قانون مذکور، درخواست تضمین شغلی و عدم اخراج از کار، اعتراض به سوء مدیریت، اعتراض به وضعیت محیط کار، درخواست ایجاد تغییر در روش تولید، اخراج دسته جمعی کارگران تحت عناوینی از قبیل تعدیل نیرو و...

حق اعتصاب در قوانین کار ایران

هر چند موضوع حق اعتصاب در زمان تصویب قوانین کار مورد بحث نمایندگان مجلس قرار گرفته ولی با این وصف، در هیچ



یا پیمان‌های قبلی و یا هر یک از موضوعات مورد درخواست طرفین برای انعقاد پیمان جدید، منجر به تعطیل کار ضمن حضور کارگر در کارگاه یا کاهش عمدی تولید از سوی کارگران شود هیات تشخیص موظف است بر اساس درخواست هر یکی از طرفین اختلاف یا سازمان‌های کارگری و کارفرمایی، موضوع اختلاف را سریعاً مورد رسیدگی قرار داده و اعلام نظر کند.

تبصره- در صورتی که هر یک از طرفین پیمان دسته جمعی نظر مذکور را نپذیرد، می‌تواند ظرف مدت ده روز از تاریخ اعلام نظر هیات تشخیص (موضوع ماده صد و پنجاه و هشت) هیات حل اختلاف مندرج در فصل نهم این قانون مراجعه و تقاضای رسیدگی و صدور رای نماید.

هیات حل اختلاف پس از دریافت تقاضا فوراً به موضوع اختلاف در پیمان دسته جمعی رسیدگی و رای خود را نسبت به پیمان دسته جمعی کار اعلام می‌کند.

یک از قوانین کار مصوب، چنین حقی، صراحتاً به رسمیت شناخته نشده است. تصویب قوانین کار در ایران، همواره در خصوص حق اعتصاب موضع سکوت را اختیار کرده‌اند. بدین ترتیب، نه در قانون کار مصوب سال ۱۳۳۷ و نه در قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ حق اعتصاب به رسمیت شناخته نشده است.

با این وصف، مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون کار با مطرح کردن آیین حل اختلاف جمعی کار، از طریق هیات تشخیص و هیات حل اختلاف و نهایتاً دولت، اشاره به «تعطیل کار ضمن حضور کارگر در کارگاه و یا کاهش عمدی تولید از سوی کارگران» دارد و اضافه می‌کند: در صورت لزوم هیات وزیران می‌تواند مادام که اختلاف ادامه دارد کارگاه را به هر نحوی که مقتضی بداند به حساب کارفرما اداره نماید.»

ماده ۱۴۲ قانون کار

در صورتی که اختلاف نظر در مورد مواد مختلف این قانون

ماده ۱۴۳ قانون کار

در صورتی که پیشنهادات هیات حل اختلاف ظرف سه روز مورد قبول طرفین واقع نشود رییس اداره کار و امور اجتماعی موظف است بلافاصله گزارش امر را، جهت اتخاذ تصمیم لازم به وزارت کار و امور اجتماعی اطلاع دهد. در صورت لزوم هیات وزیران می تواند مادام که اختلاف ادامه دارد، کارگاه را به هر نحوی که مقتضی بداند به حساب کارفرما اداره نماید.

با مذاقه در متن مواد مذکور چنین به نظر می رسد که قانونگذار تلویحا اعتصاب را پذیرفته و راه حل قانونی نیز برای آن مشخص کرده است، هرچند که به دلیل پاره ای از ملاحظات محافظه کارانه از اشاره صریح به آن خودداری نموده است.

حق اعتصاب در قانون اساسی ایران

هر چند در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق اعتصاب به عنوان یک حق علی حده، به رسمیت شناخته نشده است ولی با این وصف، از وحدت ملاک اصولی که به آزادی حق بیان و خاصه «فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های صنفی و...» در اصل بیست و ششم قانون اساسی، قانونی بودن چنین حقی اثبات می شود.

اصل بیست و ششم

احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. همچنین اصل بیست و هفتم قانون اساسی که تشکیل اجتماعات و راهپیمائی ها را آزاد اعلام کرده است.

اصل بیست و هفتم

تشکیل اجتماعات و راه پیماییها، بدون حمل سلاح ، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.

حق اعتصاب در کنوانسیون‌های بین المللی

مهم ترین کنوانسیون بین المللی در ارتباط با به حقوق کارگران و همچنین حق اعتصاب، کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ است. ماده هشت کنوانسیون مذکور به تشکیل سندیکا، حق اعتصاب کارگران و پایبندی و تعهد کشورهای عضو به رعایت این حقوق اختصاص دارد. ماده هشت:

۱. کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که مراتب زیر را تضمین کنند:

الف - حق هر کس به اینکه به منظور پیشبرد و حفظ منافع



اقتصادی و اجتماعی خود با رعایت مقررات سازمان ذیربط مبادرت به تشکیل اتحادیه نماید و به اتحادیهٔ مورد انتخاب خود ملحق شود. اعمال این حق را نمیتوان تابع هیچ محدودیتی نمود مگر آنچه که به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا حفظ حقوق و آزادیهای افراد دیگر ضرورت داشته باشد.

ب - حق اتحادیه‌ها (سندیکاها) به تشکیل فدراسیون‌ها یا کنفدراسیون‌های ملی و حق کنفدراسیون‌ها به تشکیل سازمان‌های سندیکایی بین‌المللی یا الحاق به آنها.

ج - حق اتحادیه‌ها (سندیکاها) که آزادانه به فعالیت خود مبادرت کنند بدون هیچ محدودیتی جز آنچه به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا برای حفظ حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد.

د - حق اعتصاب مشروط بر اینکه با رعایت مقررات کشور مربوط اعمال شود.

۲. این ماده مانع از آن نخواهد بود که افراد نیروهای مسلح یا پلیس یا مقامات اداری دولت در اعمال این حقوق تابع محدودیتهای قانونی بشوند.

۳. هیچ یک از مقررات این ماده کشورهای طرف مقاوله نامهٔ ۱۹۴۸ سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی سندیکایی و حمایت از حق سندیکایی را مجاز نمی‌دارد که با اتخاذ تدابیر قانونگذاری یا نحوه اجرای قوانین به تضمینات مقرر در مقاوله‌نامهٔ مزبور لطمه‌ای وارد آورند.



سازمان بین المللی کار نیز به عنوان یک سازمان تخصصی در زمینه ی حقوق کارگران مقررات مفصلی دارد.

سازمان بین المللی کار در سال ۱۹۱۹ به موجب پیمان صلح ورسای بوجود آمد و اساسنامه آن در فصل سیزدهم قرارداد صلح ورسای گنجانیده شده است. این سازمان که دفتر آن در ژنو سوئیس مستقر شده با آنکه از لحاظ حقوقی مستقل بود در عمل وابستگی تامی به جامعه ملل داشت. پس از آنکه جامعه ملل بر اثر وقوع جنگ جهانی دوم خاصیت وجودی خود را از دست داد سازمان بین المللی کار همچنان پابرجا ماند تا اینکه در سال ۱۹۴۶ قرادادی با سازمان ملل امضاء و جزء مؤسسات تخصصی سازمان ملل در آمد. در اواخر جنگ بین المللی دوم، کنفرانس بین‌المللی کار، بیست و ششمین دوره اجلاسیه ی خود را در ماههای آوریل و مه ۱۹۴۴ در شهر فیلادلفیا،امریکا تشکیل داد و اعلامیه ای در دهم ماه مه ۱۹۴۴ تصویب نمود که به اعلامیه فیلادلفیا معروف است. در این اعلامیه مقاصد و نیات سازمان بین‌المللی کار مشروحاً توضیح داده شده است.

در قسمت اول این اعلامیه چهار اصل مهم وجوددارد.

اصل اول: کار یک کالای تجاری نیست و دولتهاو جوامع بین المللی موظف به ایجاد قواعد مربوط به حداقل معیشت هستند.

اصل دوم: آزادی بیان و آزادی سندیکائی باید تامین شود.

اصل سوم: فقر و عسرت هرجا که ریشه دارد برای ترقی و رفاه عمومی خطرناک است.

اصل چهارم: مبارزه برای رفع احتیاجات مادی و معنوی باید با مساعی خستگی ناپذیر هر کشور و تلاش مداوم و هماهنگ بین المللی انجام پذیرد و تصمیماتی گرفته شود که موجب رفاه عالیه جوامع بشری شود.

حق اعتصاب و سندیکاهای کارگری در کشورهای توسعه یافته: زمینه فعالیت سازمان بین‌المللی کار (ILO) تصویب کنوانسیون و توصیه‌نامه‌هایی برای کشورهای عضو این سازمان بین‌المللی است. این سازمان بین المللی اعتصاب را به مثابه آخرین وسیله ی توسل کارگران به شرایط موجود کار و یک حق قانونی برای کارگران در سرتاسر دنیا می‌شناسد. بنابراین حق اعتصاب و اعتراض کارگران به عنوان یکی از حقوق شناخته‌شده ی کارگران در جهان رسمیت یافته است در قوانین کار کشورهای توسعه‌یافته، سندیکاهای کارگری و حق اعتصاب کارگران، پیش بینی شده است. اعتصاب در قوانین کشورهای توسعه‌یافته امری کاملاً معمول است و در کشورهای جنوب‌شرق آسیا مانند کره و ژاپن نیز پذیرفته شده است. در این کشورها هم دولت و هم بخش خصوصی این موضوع را به عنوان ابزار چانه‌زنی برای کارگران به رسمیت شناخته‌اند. در کشور آلمان، حق اعتصاب کارگران و کارکنان دولتی و غیر دولتی به حدی امر جا افتاده و متعارفی است که در اخبار رادیو و تلویزیون و جراید، جزئیات کامل اعتصاب به اطلاع عموم می رسد. زمانی که کارکنان و کارگران یک اداره دولتی دست به اعتصاب می زنند خود دولت سعی می کند تا از طریق مذاکره با نمایندگان کارگران در سندیکاهای صنفی، به درخواست کارگران رسیدگی کنند. در اکثر مواقع با حصول نتیجه مثبت در ارتباط با کل یا بخشی از درخواست های صنفی کارگران و کارکنان، پس از چند روز اعتصاب خاتمه می یابد.

در جمهوری اسلامی ایران، نه تنها در عمل حق اعتصاب مثل سایر حقوق اساسی شهروندان به رسمیت شناخته نشده و در صورت اقدام کارگران به تاسیس و تشکیل هر نوع سندیکا، عملی بر خلاف امنیت ملی تلقی می شود. بنابراین تشکیل هر نوع اتحادیه و سندیکای صنفی، با بازداشت و محکومیت سنگین موسسین و متقدمین پاسخ داده می شود. به عنوان مثال دو نفر از کارگران ایران به نام‌های شاهرخ زمانی و محمد جراحی که به فکر تاسیس سندیکای نقاشان ساختمانی افتاده بودند توسط مامورین اطلاعات دستگیر و با حکم سنگین ۱۱ سال حبس برای شاهرخ زمانی و ۷ سال حبس برای محمد جراحی، پرونده ی این سندیکا مختومه و متاسفانه شاهرخ زمانی در پنجمین سال حبس بدون مرخصی به صورت مشکوک در زندان فوت شد و محمد جراحی پس از تحمل هفت سال حبس از زندان تبریز آزاد ولی به لحاظ ابتلا به بیماری در دوران حبس و عدم درمان، مدتی پس از آزادی زندگی را وداع گفت.



از ممنوعیت تا حق اعتصاب

نیلوفر جعفری

اعتصاب به عنوان حق دموکراتیک جهانشمول برای همه کارگران، بدون در نظر داشتن آنکه آنها چه می‌کنند شناخته می‌شود. میزان به رسمیت شناختن این حق توسط یک دولت به عنوان معیاری از ارزش‌های دموکراتیک آن جامعه است. اعتصاب اقدام دسته‌جمعی معترضان علیه شرایط نامساعد کاری است که پیشینه‌ای طولانی در تاریخ دارد. نابرابری در رابطه کارفرما و کارگر باعث می‌شود حل اختلافات میان این دو از طریق مذاکره قابل انجام نباشد.

اعتصاب آخرین راهکار کارگران برای احقاق حقوق از دست‌رفته‌ای است که جامعه آن را فراموش کرده است. اما تنها کمتر از یک قرن است که اعتصاب توسط دولت‌ها و کارفرمایان سرکوب نمی‌شود. پیش از این اعتصاب یک جرم بود در حالیکه اکنون هیچ دموکراسی‌ای بدون حق اعتصاب وجود ندارد. در سال‌های اخیر قوانین بین‌المللی، فعالیت‌های تشکلی‌های کارگری و اعتصاب را حق کارگر می‌دانند. اکنون حق اعتصاب کارگران توسط سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه اروپا به رسمیت شناخته شده است.

با وجود قوانین بین‌المللی حامی حق اعتصاب هنوز هم برخی از کشورها قائل به حق اعتصاب برای کارگران نیستند.

نظام‌های حقوقی کشورهای بریتانیا و فرانسه به عنوان دو قطب مخالف در این مساله شناخته می‌شوند. در بریتانیا اعتصاب‌های کارگری به ندرت توسط قانون حمایت می‌شوند و در فرانسه تقریباً هیچ اعتصابی غیرقانونی نیست.

تاریخچه‌ای بر ممنوعیت اعتصاب

تا اوایل قرن ۱۹ میلادی در نظام حقوقی بیشتر کشورها، اعتصاب امری مجرمانه بوده است اما با شروع قرن ۱۹ حمایت از حقوق حرفه‌ای کارگران در جوامع دموکراتیک مورد توجه قرار گرفت. قوانین فرانسه پیش از انقلاب کبیر، اعتصاب را جرم می‌دانست و برگزاری اعتصاب مجازات‌های سنگینی در پی داشت. در بریتانیا نیز اعتصاب دسته‌جمعی و حتی تشکیل اتحادیه کارگری غیرقانونی بود. این قانون در سال ۱۸۷۵ در بریتانیا از میان رفت.

نقطه عطف اعتصابات کارگری اعلامیه حقوق بشر و مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار است. از اواسط قرن نوزدهم کشورهای دموکراتیک بر اساس این مقاله‌نامه‌ها یک به یک قوانین خود را تغییر دادند و پس از گذار از دوره ممنوعیت اعتصاب به مصونیت کیفری کارگران رسیدند. در این دوران در کشورهایی چون بریتانیا و فرانسه اعتصاب جرم نبود اما کارفرما می‌توانست کارگران را بخاطر شرکت در اعتصاب و تظاهرات از کار تعلیق کند. قانون فرانسه در دوران گذار اعتصاب را جرمی کیفری نمی‌دانست اما کارگر می‌بایست ضررهای مالی کارفرما را جبران می‌کرد.

دوران مشروعیات حق اعتصاب کارگران در هر کشوری متفاوت است اما مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۹ کشورهای عضو را ملزم به مشروع دانستن اعتصابات کشوری کرده‌اند. برخی از کشورها مانند فرانسه

قوانین خود را به سرعت با این توصیه‌نامه‌ها تطبیق دادند اما برخی کشورها مانند ایران یا بریتانیا همچنان در سال ۲۰۱۸ بر خی از مصوبات قرن بیستم را نیز به اجرا در نیاورده‌اند.

حق اعتصاب در سازمان بین‌المللی کار

حق اعتصاب یکی از مهم‌ترین استانداردهای بین‌المللی کار است. این حق در قوانین و کنواسیون‌های سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه اروپا لحاظ شده است. با این حال حق اعتصاب در اعلامیه جهانی حقوق بشر پیش‌بینی نشده است چرا که کشورهای کمونیستی با گنجانیدن این حق در اعلامیه حقوق بشر مخالفت کردند. بر اساس استدلال کشورهای کمونیستی، اعتصاب با ساختار سیاسی در کشورهای کمونیستی متناقض است. در ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تضمین حق اعتصاب به عهده دولت‌های عضو و بر اساس قوانین هر کشور گذاشته است. در مقاله‌نامه‌های شماره ۸۴- ۱۹۴۷ و ۸۷-۱۹۴۹ در اسناد خاص بین‌المللی کار، حق اجتماعات و اجرای اصول مربوط به حق سازماندهی و مذاکرات جمعی به عنای حقوق سندیکاها بررسی شده است. در مقاله‌نامه ۹۲- ۱۹۵۱ بر سازش و داوری اختیاری اشاره شده است.

از سوی دیگر بند ۲ سازمان بین‌المللی کار در مورد اصول و حقوق بنیادین کار مصوب ۱۹۹۸ می‌گوید تمامی اعضای این سازمان حتی اگر مقاله‌نامه‌ها را به تصویب نرسانده‌اند موظف

هستند بخاطر تعهدات خود برای عضویت در این سازمان همه مقاله‌نامه‌ها را در قوانین کار خود اجرا کنند. بر این اساس اگر کشوری همچون ایران در زمان تصویب مقاله‌نامه‌هایی که در آن بر حق اعتصاب کارگران تاکید شده است عضو این سازمان نبوده باشد موظف است پس از عضویت آنها را به اجرا درآورد.

تشکلی‌های کارگری نخستین گام برای اعتصاب

بند ۴ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر تشکیل و عضویت در اتحادیه‌ها را از جمله حقوق اولیه بشر می‌داند. این ماده می‌گوید هر کس حق دارد برای دفاع از منافع خود و یا دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند. همچنین بر اساس ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهایی که این میثاق‌نامه را امضا کرده‌اند باید تشکیل اتحادیه، عضویت در اتحادیه‌ها و فعالیت آزادانه و بدون محدودیت آنها را برای حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و مصلحت‌های امنیتی و نظم عمومی تضمین کند. منشور حقوق سندیکایی که توسط شورای عمومی فدراسیون سندیکای جهانی در سال ۱۹۵۴ تصویب شده است نیز حق ایجاد اتحادیه کارگری و یا پیوستن به آنها را از حقوق کارگران دانسته است. در این منشور آمده است که کارگران نباید برای این کار از دولت یا کارفرما اجازه بگیرند و یا توسط آنها کنترل شوند.

از جمله حقوق تشکلی‌های کارگری این است که آنها می‌توانند



قوانین خود را آزادانه تصویب کنند، برای تشکیل جلسه یا انجمن نیاز به درخواست و اجازه از هیچ مقامی را ندارند و می‌توانند آزادانه اعتصاب و یا در معابر عمومی تظاهرات کنند. همچنین در این مصوبه آمده است که سازماندهی اعتصاب، شرکت در اعتصاب یا تظاهرات نباید تحت هیچ شرایطی دستاویز تنبیه، توبیخ یا جریمه قرار بگیرد.

در ماده ۳ مقاله‌نامه ۸۷ مصوبه سال ۱۹۴۸ سازمان بین‌المللی کار آمده است که فعالیت تشکلهای کارگری کاملاً به اختیار آنهاست و دولت نمی‌تواند هیچ‌گونه مداخله، تعیین تکلیف یا محدودیتی در آن ایجاد نماید. همچنین در ماده ۴ تاکید شده است که مقامات دولتی بدون طی کردن تشریفات قضایی نمی‌توانند این تشکلهای را منحل کنند. البته ماده ۸ این توصیه‌نامه تشکلهای را موظف به رعایت حقوق کشور خود کرده است اما همین ماده دولت‌ها را موظف کرده که اگر قوانین‌شان حقوق تشکلهای را زیر پا می‌گذارد این قوانین را اصلاح کنند تا تشکلهای بتوانند آزادانه فعالیت کنند.

مقاله‌نامه شماره ۹۸ سازمان بین‌المللی کار مصوبه سال ۱۹۹۴ بارها توسط تشکلهای کارگری برای حق اعتصاب مورد استناد قرار گرفته است. ماده ۱ این مقاله‌نامه به مصونیت کارگر برای عضویت در اتحادیه اشاره کرده است. در این صورت حضور در اجتماعات و اعتصابات نباید منجر به اخراج او شود. همچنین حضور کارگر در فعالیت‌های اتحادیه کارگری نباید دستاویزی برای اخراج و تبعیض او از محیط کار قرار بگیرد.

حق اعتصاب در قانون اساسی ایران

در قانون اساسی ایران هیچ اشاره‌ای به حق اعتصاب کارگران نشده است. اما در اصل ۲۶ آزادی انجمن‌های صنفی در هر دو شکل «تشکل» و «فعالیت» و در اصل ۲۷ آزادی تشکیل اجتماعات به طور ضمنی، حق اعتصاب را مورد قبول می‌دانند. همچنین در ماده ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون کار ایران بدون نام بردن از اعتصاب به تعطیل کردن کار با حضور کارگر در کارگاه و کاهش عمدی تولید توسط کارگران اشاره شده است. این قانون به آیین حل اختلاف پرداخته است و راهکار آن را به هیات تشخیص و هیات حل اختلاف و در نهایت دولت سپرده است. اگرچه قانون کار ایران به طور کلی از به کاربردن واژه اعتصاب اجتناب کرده است اما در فصول مربوط به جرایم و مجازات‌ها نیز برای اعتصاب هیچگونه مجازاتی در نظر نگرفته است. عدم حمایت قانون از اعتصاب کارگران باعث شده است تا برخی از کارفرمایان این خلاء را با اضافه کردن مجازات اعتصاب در قراردادهای کاری خود پر کنند. مثلاً کارفرمای فاز ۱۵ و ۱۶ عسلویه در قراردادهایی که در سال ۱۳۹۴ با کارگران بسته بود برای اعتصاب مجازات در نظر گرفته است.

بسیاری ایران را در اعتصابات صنفی متهم به نقض کنوانسیون ۸۷ سازمان جهانی کار می‌کنند زیرا بر اساس کنوانسیون ۸۷ سازمان جهانی کار همه کشورهای عضو ملزم به رعایت آزادی اجتماعات و حق اعتصاب هستند.

اعتصاب‌ها در ایران از گذشته تا امروز



مریم دهکردی

حتی کشاورزان و بازنشستگان در اغلب شهرها به خیابان آمده اند چرا که از مراجع و مقرهای قانونی پیش رو پاسخی در جهت تامین حقوق خود نگرفته‌اند. در این مطلب نگاهی داریم به تاریخچه اعتصابات در ایران، از اعتصابات کارگری و صنفی تا اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و عقیدتی.

تاریخچه اعتصابات کارگری

نخستین اتحادیه مدرن کارگری ثبت شده در ایران را کارگران چاپخانه‌های تهران در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی به راه انداختند. این حرکت کارگران دیگر کارخانه‌ها را به تشکیل سندیکا و اتحادیه کارگری تشویق کرد. اتحادیه کارگری نوپای کارگران صنعت چاپ ایران اندکی پس از تشکیل اعتصابی را سازماندهی کرد که با استقبال گسترده صنف کارگران چاپخانه روبه رو شد به شکلی که در طول این اعتصاب تقریباً هیچ روزنامه‌ای منتشر نشد. بیش از ۱۰ مورد خواسته توسط رهبران اتحادیه مطرح بود و اعلام شد تا برآورده نشدن این خواسته‌ها اعتصاب ادامه خواهد داشت. درخواست‌ها طیف گسترده‌ای داشتند؛ از افزایش دستمزد تا تعطیلی یک روز در هفته برای کارگران. از آنجایی که صنف کارگران چاپخانه‌ها تعدادشان زیاد بود این درخواست‌ها همه پذیرفته شد.

اسفند ماه سال ۱۲۸۵ نمونه دیگری از اعتصاب‌های صنفی رخ داد. این‌بار کارگران تلگراف خواهان استخدام رسمی، افزایش دستمزد و عدم اخراج بدون دلیل شدند. در این دوره زمانی تلگراف هم چون چاپ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و همین منجر به تحقق همه خواسته‌های کارگران از سوی دولت وقت

انقلاب که شد خیابان‌های زیادی نام‌شان تغییر کرد. همه «پهلوی‌ها» شدند «امام خمینی» همه «شهید»ها شدند «آزادی». برخی خیابان‌ها هم به نام شخصیت‌های انقلابی سند خورد و در این میان خیابان «وینستون چرچیل» منتهی به ساختمان سفارت انگلستان در تهران، به خیابان «بابی ساندز» تغییر نام پیدا کرد. «بابی ساندز» یک مبارز ایرلندی بود که بعد از پیوستنش به ارتش آزادیخواه، در رویای آزادی و استقلال ایرلند شمالی تلاش کرد و سرانجام در ۲۷ سالگی و در پی اعتصاب غذایی ۶۶ روزه در زندان «بلفاست» درگذشت. حکومت ایدئولوژیک و نوپای ایران نام یک خیابان را به نام او که جانش را بر سر مبارزه گذاشت، سند زد اما در طول ۴۰ سالی که گذشت و حتی پیش از آن با «حق اعتصاب» در تاریخ مبارزه چگونه برخورد شده است؟

اعتصاب عموماً به دو شکل فردی یا گروهی و صنفی و با هدف تامین یک یا چند خواست بر حق و مشروع که به هر دلیلی از فرد یا گروهی سلب شده باشد صورت می‌پذیرد. این شیوه اعتراضی پیشینه‌ای دیرینه در ایران دارد اما شاید در هیچ دوره تاریخی به اندازه امروز صدای اعتراض مردم عادی بلند نشده و به گوش جهان نرسیده بود. اعتراضی که به واسطه شنیده نشدن توسط مقامات مربوطه به اعتصاب بدل شده، دامن اغلب شهرها و حتی روستاهای ایران را گرفته است. پیش از این عموماً اعتصاب در انحصار اصناف، دانشجویان و البته کنشگران و فعالان مدنی و سیاسی دربند بود، امروز اما



شد.

در سال‌های آغازین تشکیل اتحادیه‌های کارگری در ایران تا پیش از شکست مشروطه اغلب اعتصاب‌های کارگری به هدف می‌رسید اما پس از سرکوب مشروطه شرایط تغییر کرد.

جنبش کارگری نوپا بود و شدت سرکوب وسیع.

در شهریور ۱۳۲۰ اما بازماندگان جنبش کارگری توان باقیمانده را جمع و دوباره سندیکاها را احیا کردند. سه سال بعد «شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران» از تلفیق سه اتحادیه کارگری تازه تاسیس تشکیل شد و در اندک زمانی به بزرگترین اتحادیه کارگری خاورمیانه بدل گشت.

نخستین قانون کار مدون در ایران در سال ۱۳۲۵ در مجلس به تصویب رسید. تصویب این قانون ماحصل اعتصاب گسترده کارگران «شرکت نفت جنوب» و حمایت سایر کارگران از آن بود. نتیجه تصویب این قانون خشم مدیریت شرکت نفت و مقاومت در پذیرش و اجرای آن بود. همین امر موج تازه‌ای از اعتصابات کارگری را از تهران تا آبادان به دنبال داشت. اعتصابی که منجر به کشته شدن تعدادی از کارگران و اعلام حکومت نظامی شد.

ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۳۰ نیز از رویدادهایی است که به نوعی مرهون اعتصاب کارگران شمرده می‌شود. در درگیری میان نیروهای نظامی و کارگرانی که اعتصاب کرده بودند چند تن از کارگران در «بندر ماهشهر» کشته شدند. این اتفاق درگیری و تنش را افزایش داد و دامنه اعتصابها را از خوزستان به تهران، اصفهان و رشت گسترده.

یکی دیگر از اعتصابات کارگری بسیار مهم در تاریخ سیاسی ایران پس از کشتار مردم در «میدان ژاله» تهران رخ داد. در ماه رمضان و طی ماه‌های مرداد و شهریور ۵۷ راهپیمایی‌های بزرگی در ایران به راه افتاد و اغلب شهرهای بزرگ از جمله تهران، تبریز، رشت و مشهد را در بر گرفت. برخورد خشونت آمیز رژیم حاکم و کشته و زخمی شدن چند تن در شهر قم ابتدا کارخانه‌های ماشین سازی تبریز و سپس کارگران سایر کارخانه‌ها با خواسته‌های حقوقی و سیاسی دست به اعتصاب زدند.

انقلاب ایران که پیروز شد رهبران تشکل‌های کارگری مطالباتی را که در طول سالیان – از ۱۳۳۰ به بعد- به محاق رفته بود مطرح کردند و خواستار تحقق آنها شدند.

مهمترین بخش این خواسته‌ها تغییر و اصلاح قانون کار به نفع کارگران و بازگرداندن امنیت شغلی به آنها با لغو ماده ۳۳ قانون کار بود. این قانون در پی مبارزات سخت کارگران در این دوران اصلاح شد و بخشی از اهداف اعتصاب کنندگان را تامین کرد اما پس از تغییراتی که در درون حکومت صورت گرفت،

بخش زیادی از قانون تصویب شده در سال‌های گذشته کنار گذاشته شد.

در طول سالیان پس از پیروزی انقلاب وضعیت کارگران روز به روز بدتر و بغرنج تر شد. کارخانجات قدیمی نظیر «ارج» و «هپکو» یکی پس از دیگری به ورطه ورشکستگی و تعطیلی افتادند. شرکت‌های عظیمی نظیر «نیشکر هفت تپه» و «گروه ملی فولاد خوزستان» به واسطه حضور شرکت های تابعه سپاه پاسداران و بر اثر بی تدبیری دولت ها از پرداخت مطالبات مزدی کارگران بازماندند و تقریباً هیچ روزی نیست که کارگران کارخانجات و شرکت ها برای دستیابی به مطالبات و معوقات مزدی شان در اعتصاب نباشند و پاسخی هم در برابر این فریادها دریافت نمی کنند. خبرهای متعددی از خودسوزی، خودکشی و مرگ کارگران بر اثر فشارهای ناشی از بیکاری و بی پولی در خبرگزاری‌ها منتشر می‌شود و وضعیت این قشر مهم و وسیع روزه روز دشوارتر می شود.

اعتصاب بازاریان و کسبه

بازار همیشه عنصر قدرتمندی در بازی های سیاسی بوده و نقش به سزایی را در به زانو درآوردن دولت‌ها در برابر خواست اهالی خود داشته است. مرور سیر تاریخی اعتصاب بازاریان در ادوار مختلف نشان می‌دهد اغلب دولت‌ها از تعطیلی بازار هراسان شده و عموماً صدای اعتراض کسبه را می‌شنیدند.

نگاهی به تاریخ اعتصابات بازاریان از دوران «ناصرالدین شاه» تا

به امروز تایید این مدعاست. از ۱۲۶۳ شمسی و دوران سلطنت ناصرالدین شاه تا بیست و دو سال بعد و در زمان امضای فرمان مشروطه به دست «مظفرالدین شاه» بازار یکی از جدی‌ترین نقش‌ها را در عرصه سیاست داخلی ایفا کرده است. برای نشان دادن اهمیت نقش بازار در این دوران، کافی است به این نکته توجه کنیم که هزینه بست‌نشینان سفارت انگلستان و مبارزان مشروطه را چند و به روایتی دوتن از بازاریان تهران تقبل کرده بودند.

در دوران «محمدرضاشاه» پهلوی هم بازاریان از مهمترین حامیان دولت «مصدق» به شمار می آمدند. در دوران رکود اقتصادی پس از ملی شدن صنعت نفت فروش اوراق قرضه ملی توسط دولت و خرید بخش قابل توجهی از این اوراق توسط بازاریان تهران، اصفهان، تبریز و شیراز توانست مرهمی بر تن رنجور اقتصاد آن روزگار باشد.

در دوران پیش از پیروزی انقلاب نیز همراهی بازاریان با روحانیون و به خصوص «آیت الله خمینی» در شکست دولت پهلوی اثر پررنگی داشت. صدور یک اعلامیه توسط «آیت الله خمینی» در بهمن ماه سال ۴۲ و مخالفت صریح با «انقلاب سفید» شاه آتش سلسله اعتراضاتی که توسط بازاریان به راه افتاد و تا بهار ۴۳ ادامه یافت را شعله ور کرد.

ناراضیتی بازاریان در سال ۱۳۵۶ از حکومت پهلوی به اوج خود رسید. در طول دهه چهل تا نیمه دهه پنجاه شمسی دولت شاه

تلاش کرده بود بازار را منزوی و تجار را با تشکیل دادگاه‌های متعدد، لغو پروانه کسب و جریمه های کلان از قدرت بیاندازد و همین منجر به این شد که بازاریان، محافظه کاری سنتی خود را کنار گذاشته و جلودار اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها قرار بگیرند. تامین هزینه مبارزات مدنی در دستور کار آنان قرار گرفت و این رخداد حتی تا مدتی پس از پیروزی انقلاب ایران، رفتن شاه و بازگشت آیت‌الله خمینی به ایران ادامه یافت.

مغازه داران و کسبه شهر «بانه» در استان «کردستان» برای بیش از ۲۵ روز در اعتصابی هماهنگ از باز کردن مغازه های خود اجتناب کردند. علت اعتصاب در بازار این شهر اعتراض به افزایش تعرفه‌های گمرکی و همچنین بسته شدن گذرگاه های مرزی عنوان شد. کسبه بانه در این اعتصاب سراسری که در میانه آن همراهی شهرهای دیگر از جمله «جوانرود»، «سقز»، «مریوان» و «پیرانشهر» را هم به همراه داشت دو خواسته روشن داشتند. «کاهش تعرفه‌های گمرکی و باز شدن گذرگاه‌های مرزی».

پیش از این دولت «حسن روحانی» با ممانعت از فعالیت کولبران و اجرای «مبادلات مرزی با کارت پبله‌وری» مقدمه ناراضیتی و انتقاد مغازه داران و کولبران را فراهم و حتی توسط نمایندگان این شهرها در مجلس انتقاداتی دریافت کرده بود. این اعتصاب سرانجام پس از ۲۵ روز با صدور بیانیه ای از سوی کسبه و با دریافت قول مساعد از سوی حاکمیت در جهت

اعتصاب غذا جان خود را از دست داد. پرشکان، سهل انگاری مقامات زندان در انتقال به موقع این فعال سیاسی را دلیل درگذشت وی اعلام کردند.

یکی دیگر از زندانیانی که بیش از ۱۶ بار تا به امروز در اعتراض به روند رسیدگی به پرونده‌اش دست به اعتصاب غذا زده «محمدعلی طاهری» بنیانگذاری مکتبی موسوم به «عرفان حلقه» است. او آخرین بار ۱۸ بهمن سال ۹۶ در اعتراض به حبس غیرقانونی خود دست به اعتصاب غذا زده بود اما پس از دریافت قول مساعد بابت آزادی و رسیدگی منصفانه به پرونده از سوی ضابطین غذایی در تاریخ ۲ اسفند ۹۶ دست از اعتصاب کشید. بنا بر آنچه وکیل محمدعلی طاهری به رسانه ها گفته است محکومیت قانونی این زندانی عقیدتی پس از فراز و فرودهای بسیار در روند قضایی پرونده، صدور دوبار حکم اعدام و نقض آن پس از ارسال به دادگاه تجدید نظر، در تاریخ دی ماه سال ۱۳۹۵ به پایان رسیده و روزهای پس از آن را بی دلیل و بصورت غیرقانونی در بازداشت مانده است. تا لحظه تنظیم این گزارش نیز خبری از آزادی وی در خبرگزاری ها منتشر نشده است.

«آرش صادقی» یکی دیگر از زندانیان سیاسی است که نامش با اعتصاب غذا گره خورده. آرش دانشجوی رشته فلسفه دانشگاه تهران بود که به دلیل فعالیت های سیاسی از دانشگاه اخراج شد. او با اتهاماتی نظیر «اجتماع و تبانی علیه نظام، توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی، تبلیغ علیه نظام و تشکیل گروه غیر قانونی» خرداد ماه سال ۹۰ بازداشت و برای گذراندن حکم ۱۹ ساله زندان خود به زندان اوین منتقل شد. همسر این زندانی سیاسی گلرخ ایرایی به اتهام تبلیغ علیه نظام به شش سال حبس محکوم شد. سال ۱۳۹۵ وقتی ماموران گلرخ را به زندان منتقل کرده و اجازه ملاقات را از او و آرش صادقی سلب کردند آرش دست به اعتصاب غذایی طولانی و ۷۱ روزه زد و تنها زمانی دست از اعتصاب غذا کشید که مقامات قضایی با قرار وثیقه ای سنگین گلرخ ایرایی را به مرخصی فرستادند. به این اسامی می توان حداقل صد نام دیگر اضافه کرد. گلرخ ایرایی، آتنا دائمی، مهدی خزئی، حمید بقایی، احسان مازندرانی، آیت الله نکونام، سعید شیرزاد، کسری نوری و ...

هر یک از این زندانیان فارغ از آنکه به چه دلیل یا اتهامی در زندان هستند اعتصاب را برای تحقق خواسته‌هایشان انتخاب کرده‌اند. بابتی ساندزهای بالقوه‌ای که هر لحظه ممکن است بر سر احقاق حقوقشان در زندان‌های ایران جان از کف بدهند اما می‌شود مطمئن بود هرگز نام‌شان بر سر هیچ خیابانی نصب نخواهد شد.



پس از شاهرخ زمانی تعداد دیگری هم از زندانیان سیاسی به دلایل مختلفی از جمله اعتراض به تمدید دوره حبس خود، پس از پایان دوره محکومیت، اعتراض به پرونده سازی جمهوری اسلامی علیه زندانی بدون داشتن مدرک، اعتراض به وضعیت زندانیان در برخی زندان‌های کشور، اعتراض به انتقال زندانیان به زندان‌های عادی و هم سلول کردن زندانیان سیاسی با زندانیان دیگر (که اغلب جانی و روانی بوده) و باعث به خطر افتادن جان زندانی سیاسی شده یا در بهترین حالت موجب ضرب و شتم و تجاوز جنسی به زندانی سیاسی می‌شوند، اعتراض به رفتار غیر انسانی و شکنجه‌های روحی و جسمی زندانیان سیاسی و یا عقیدتی توسط مسئولین و نگهداران زندان ها و نظیر این در ایران اعتصاب غذا کرده‌اند. «هدی صابر» فعال ملی-مذهبی، ۱۲ خرداد ۱۳۹۰ در اعتراض به وقایعی که به هنگام تشیع پیکر «عزت الله سبحانی» از بنیانگذاران «نهضت آزادی ایران» منجر به مرگ «هاله سبحانی» فرزند وی شد در زندان اوین دست به اعتصاب غذا زد. هدی در دهمین روز این اعتراض بر اثر سکته قلبی ناشی از

تحقق خواسته‌های آنها پایان یافت.

در همین دوران تحرکات پراکنده‌ای هم در بازار تهران رخ داد. افزایش نرخ ارز و طلا در بازار منجر به تعطیلی فروشگاه‌های طلافروشی و برخی حجره های عمده در بازار تهران شد اما چندان که باید و شاید گسترش نیافت.

اعتصاب غذا و زندانیان سیاسی

در میان زندانیان سیاسی، عقیدتی و فعالان مدنی آخرین حربه رسیدگی به درخواست‌ها اعتصاب غذاست. فرایندی دشوار و طاقت فرسا که توامانی‌اش با حبس و گاهی سلول انفرادی باعث می‌شود فردی که دست به اعتصاب زده هرگز از نظر جسمی و روحی به پیش از این دوران بازنگردد. در شماره ۹۶ مجله «چشم‌انداز ایران» روایتی از اعتصاب غذای زندانیان نقل شده که بازگو کردنش خالی از لطف نیست. ساکنان زندان قصر سال ۵۷ را با اعتصاب غذای تر حدود ۱۰۰ تن از زندانیان آغاز کردند. به گفته مهدی غنی یکی از زندانیان شرکت کننده در این اعتصاب «این حرکت خواسته‌هایی داشت که در آغاز حرکت اعلام شد. کنشگران با قاطعیت اعلام کردند تا پلیس و حاکمیت خواسته‌های اعلام شده را برآورده نکنند، آن‌ها تا پای جان بر این اعتصاب پافشاری خواهند کرد. خواسته‌ها عبارت بود از: ملاقات حضوری با اعضای خانواده، دسترسی آزاد به نشریات و مطبوعات منتشره، امکان دسترسی به رادیو، امکان دسترسی به کتاب‌های چاپ شده».

آنگونه که مهدی غنی روایت کرده زندانیان اعتصاب غذای تر را سه هفته بعد و در آستانه نوروز به اعتصاب خشک تغییر داده و به سرعت آسیب می دیدند. این اعتصاب ۲۹ روز به طول انجامید و بالاخره مقامات زندان ناچار به مذاکره شدند و خبر از پذیرفتن درخواست زندانیان دادند.

در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی نیز همواره فعالان و مبارزان سیاسی دربند برای دستیابی به حقوق اولیه خود دست به اعتصاب غذا زده‌اند برخی از آنها با آسیب های بیشمار جسمی ناشی از اعتصاب همچنان در زندانند یا از بند رها شده اند و برخی هم جان خود را بر سر خواسته هایشان از دست دادند.

نخستین نامی که به مدد آزادی نسبی مطبوعات در دوران اصلاحات به عنوان یک زندانی سیاسی که اعتصاب غذا کرده بود رسانه ای شد نام «اکبر گنجی» بود. او که در پی حضور در کنفرانس برلین و پس از بازگشت به ایران در فرودگاه بازداشت شد. گنجی در طول سال‌های زندان در اعتراض به بدرفتاری های فراوان در زندان اوین ابتدا ۱۳ روز دست به

اعتصاب غذا زد. پس از آن با مرخصی وی موافقت شد و او نیز دست از اعتصاب کشید. گفتگوهای او با رسانه‌های بین المللی و تاکید وی بر جدایی دین از سیاست موجب شد مراجع قضایی مجددا او را به زندان بازگردانند. این بار اکبر گنجی برای مدت ۷۰ روز اعتصاب غذای نامحدود کرد. در پی انتشار چند تصویر از او و وخامت حال عمومی اش سرانجام دستور انتقال وی به بیمارستان از سوی دادستان وقت – سعید مرتضوی– صادر شد.

نام دیگری که در دهه ۸۰ شمسی با اعتصاب غذا بر سر زبان‌ها افتاد نام «شاهرخ زمانی» بود. فعال کارگری و مبارز زندانی که چندین بار برای تحقق خواسته هایش دست به اعتصاب غذا در زندان زد. در آخرین مرتبه ۴۷ روز در اعتصاب ماند و اندکی پس از شکستن اعتصاب به مرگی مشکوک جان باخت. هرگز مشخص نشد مرگ او به دلیل آسیب‌های ناشی از اعتصاب غذا رخ داده یا علت دیگری داشته اما بسیاری از نزدیکان او در روایت‌های تایید نشده می گویند او پس از شکستن اعتصاب توسط مقامات زندان کشته شده است.

اعتصاب؛ حقی که در ایران به رسمیت شناخته نمی‌شود



معین خزانلی

امروزه حق اعتصاب به عنوان یکی از حقوق اصلی و شالوده قوانین موضوعه کار در دنیا شناخته شده و اکثر قریب به اتفاق نظام های حقوقی در کشورها آن را به رسمیت شناخته و حتی برای آن ساز و کار قانونی مشخص نیز تعریف کرده اند.

جدای از قوانین داخلی بسیاری از کشورها، در قوانین بین المللی نیز از حق اعتصاب به عنوان حقوق مسلم کارگران یاد شده است. بند یک ماده هشت میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعتصاب را حقی مسلم دانسته که کشورهای عضو این میثاق متعهد به اجرا و تضمین آن هستند.

قوانین بین المللی موضوعه کار نیز به طور مشخص اعتصاب را از حقوق طبیعی کارگران و سندیکاهای کارگری دانسته است. مقاوله نامه های ۸۴ و ۸۷ بین المللی کار و همچنین کنوانسیون ۸۷ سازمان بین المللی کار نیز حق اعتصاب را به رسمیت شناخته و از کشورها نیز خواسته تا آن را به رسمیت بشناسند.

در ایران اما این حق طبیعی، از سوی قانونگذار به رسمیت شناخته نشده و هیچ یک از قوانین موضوعه ایران از جمله قانون کار، قانون مدنی و قانون اساسی اشاره ای به حق اعتصاب نکرده اند. قانون فعلی کار ایران مصوب ۱۳۶۹ که در حقیقت دومین قانون مصوب و مدون در زمینه حقوق

کار در تاریخ ایران است حتی نامی نیز از کلمه اعتصاب به چشم نمی خورد. تا پیش از انقلاب نیز اگرچه تصویب نامه هیئت وزیران وقت در سال ۱۳۲۵ حق اعتصاب را به رسمیت شناخته بود اما در اولین قانون کار ایران که ۱۲ سال پس از آن در سال ۱۳۳۷ تصویب شد نیز اشاره ای مستقیم به حق اعتصاب به عنوان حقوق پذیرفته شده کارگران نشد؛ اگرچه منعی نیز برای آن در نظر گرفته نشده بود.

پس از انقلاب در ایران شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ با صدور دستورالعملی دست زدن به هر گونه اعتصاب، تبلیغ آن و یا برنامه ریزی برای آن را به طور مشخص ممنوع کرد و از آن پس با عدم به رسمیت شناخته شدن این حق در قانون کار جمهوری اسلامی ایران، این حق مسلم همچنان انکار شده و به نوعی ممنوع باقی مانده است.

از طرف دیگر به اعتقاد برخی علی رغم عدم شناسایی روشن



حق اعتصاب در قانون کار ایران، عدم منع آن و نیز اشاره ی غیر مستقیم برخی مواد قانون کار به آن نشان دهنده پذیرفته شدن تلویحی این حق از سوی قانونگذار ایرانی است. ادعایی که با بررسی مواد مورد نظر و نگاهی به عملکرد دستگاه های امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی در برخورد با اعتصاب کنندگان به سادگی قابل رد است.

سکوت مطلق قانون کار ایران نسبت به حق اعتصاب
قانون کار ایران در ماده ۱۴۲ خود در ذیل فصل مربوط به «مذاکرات و پیمان های دسته جمعی کار» با اشاره به وقوع اختلاف بین کارگر و کارفرما با بیان اینکه اگر اختلاف فی مابین سبب تعطیل شدن کار علی رغم حضور کارگر در کارگاه و یا کاهش عمدی تولید از سوی کارگران شود، رسیدگی به این اختلاف را فوری و در اسرع وقت و بر عهده هیات تشخیص مرود نظر قانون کار و در صورت عدم حل اختلاف بر عهده هیات حل اختلاف قانون کار گذارده است. اشاره این ماده به امکان تعطیلی کار و یا کاهش عمدی تولید از سوی کارگران سبب شده که عده ای با استناد به آن، در صدد استنباط به رسمیت شناخته شدن تلویحی حق اعتصاب از این ماده برآیند. به اعتقاد این گروه تصریح ماده مورد نظر مبنی بر احتمال تعطیلی کار با وجود حضور کارگر در محل کار به نوعی اشاره به حق اعتصاب بوده و می توان بر اساس آن به عدم مخالفت قانون کار با حق اعتصاب پی برد. اصرار بر این تفسیر از قانون در حالی است که تنها نگاهی به تعاریف پذیرفته شده اعتصاب در قوانین بین المللی و یا قوانین موضوعه کشورهایی که این حق را به شکلی قانونی به رسمیت شناخته اند نشان می دهد که اساسا آنچه که در ماده ۱۴۲ قانون کار ایران، مد نظر قانونگذار بوده نه تنها شباهتی به اعتصاب ندارد بلکه فرسنگ ها نیز با آن فاصله دارد.

به طور کلی می توان گفت اعتصاب به معنی اقدامی ارادی و عمدی است که در راستای اهدافی مشخص توسط کارگران صورت گرفته و عموما به صورت توقف انجام وظایف کاری و راهپیمایی های دسته جمعی به نمایش در می آید. در حقیقت هدف از اعتصاب دست یابی به حقوقی است که کارگران از دست یابی به آنها از طریق روش های معمول ناتوان بوده و از آن به عنوان اهرمی برای فشار بر کارفرما

اعتصاب، حق مجازات کارگر را در صورت دست زدن به اعتصاب برای خود به رسمیت شناخته اند. در چنین شرایطی از آنجا که قانون کار هیچ اشاره ای به اعتصاب ندارد، این اقدام کارفرمایان در عمل بر خلاف قانون نبوده و از این رو آنها می توانند به راحتی این حق مسلم کارگران را نادیده بگیرند. به عنوان مثال کارفرمایان فازهای ۱۵ و ۱۶ منطقه نفتی ویژه عسلویه سه سال پیش در با احصاء بندی در قرارداد کاری تعدادی از کارگران، اعتصاب را ممنوع و نتیجه آن را اخراج کارگر عنوان کرده بودند.

از طرف دیگر در موارد بسیاری، کارفرمایان برای مجازات کارگران اعتصاب کننده اقدام به اخراج آنان به دلایل واهی و یا اجبار آنان به گرفتن مرخصی های بلند مدت بدون حقوق می کنند؛ بدون اینکه قانونی آنها را از این اقدامات تنبیهی منع کند.

کارگران، قربانیان یک خلاء قانونی

عدم احصاء حق اعتصاب در قوانین موضوعه ایران در عمل سبب شده که تنها روش موثر کارگران برای احقاق حقوق طبیعی و مسلم شان به رسمیت شناخته نشده و این اقدام به حق که در بسیاری از کشورها به عنوان نوعی کنش اعتراضی مدنی و بدون خشونت به منظور کسب حقوق انسانی است در ایران تبدیل به اقدامی سیاسی شده که به طور معمول نیز با برخورد و مجازات های غیرانسانی روبرو شود.

در این زمینه الزام سازمان جهانی کار در سال ۱۳۹۳ مبنی بر به رسمیت شناخته شدن حق اعتصاب و تضمین ایجاد شرایط اجرا و اعمال آن برای کشورهای عضو نیز هنوز نتوانسته جمهوری اسلامی ایران را به عنوانی عضو این سازمان به پذیرش این حق متعهد کند. چرا که اساسا رویکرد نظام جمهوری اسلامی به مقوله اعتصاب رویکردی امنیتی است که آن را اقدامی علیه نظام ارزیابی می کند.

نظر مشهور رهبر جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۲ مبنی بر جایز نبودن اعتصاب به دلیل آنکه «سبب تضعیف نظام مقدس اسلامی می شود» به روشنی نشان می دهد که چرا این خلاء قانون کار ایران همچنان پر نشده باقی مانده و تلاشی نیز برای پر کردن آن نمی شود.



جمهوری اسلامی، کارخانه های و شرکت های وابسته به آستان های امان شیعه از جمله آستان قدس رضوی و دستگاه عرض و طویل دولت به عنوان کارفرما نداشته و در نتیجه هرگونه اعتصاب و اعتراضی عملا اقدامی به ظاهر علیه امنیت ملی ولی در واقع علیه منافع این نهادها محسوب شود.

قراردادی که در آن اعتصاب ممنوع است

یکی دیگر از نتایج عملی عدم شناسایی اعتصاب در قوانین موضوعه ایران و در نتیجه عدم حمایت قانون از کارگران در این موضوع، تلاش کارفرمایان برای به حداقل رساندن امکان انجام آن از سوی کارگران و یا مجازات کارگران پس از دست زدن به اعتصاب است.

در همین زمینه برخی از کارفرمایان با گنجانیدن بندی در قرارداد کاری کارگران ضمن اشاره صریح به ممنوعیت

به منظور تن دادن به خواسته های به حق کارگران استفاده می شود.

این در حالی است که اساسا آنچه که در ماده ۱۴۲ قانون کار به آن اشاره شده، نه تلاشی برای به رسمیت شناخته شدن این حق به عنوان روشی برای احقاق حقوق دیگر، بلکه تنها اشاره ای به روش پایان دادن به موقعیتی است که در آن کارگران به دلیل اختلاف با کارفرما دست از کار می کشند. همچنین اینکه ماده ۱۴۳ همین قانون با اشاره به موارد عدم حل اختلاف مورد نظر بین کارگر و کارفرما نه تنها دولت را به عنوان مرجع بیطرف و داور معرفی نکرده بلکه در حقیقت آن را کارفرمایی جدید تا زمان پایان اختلاف دانسته است.

از دیگر سو به رسمیت شناخته شدن حق اعتصاب به این معنی است که در صورت استفاده این حق از سوی کارگران و دست زدن به اعتصاب، قانون از کارگران اعتصاب کننده در برابر احتمال مواجه با مجازات از سوی کارفرما حمایت کرده و در عمل از اخراج و یا کاهش دستمزد و یا مزایای کارگر به دلیل شرکت در اعتصاب جلوگیری کند. در حالی که قانون کار ایران در ماده مورد نظر و یا دیگر مواد خود کوچکترین اشاره ای به این مبحث نکرده است. اگرچه مجازاتی نیز برای کارگران اعتصاب کننده نیز از سوی قانون پیش بینی نشده، اما صرف عدم حمایت سبب شده که این مجازات هز سوی کارفرما اعمال شود.

اعتصاب؛ «اقدامی علیه امنیت ملی»

عدم به رسمیت شناخته شدن اعتصاب به عنوان حقی قانونی از سوی قوانین موضوعه ایران جدای از تبعات حقوقی آن بر علیه کارگران در عمل اما سبب شده که هر اقدامی از سوی کارگران و یا انجمن ها و سندیکاها کارگری مبنی بر تلاش برای دست زدن به اعتصابات، وجهی امنیتی یافته و از سوی نیروهای انتظامی و دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به شدت سرکوب شود.

شدت این برخوردها به حدی است که در شهریور ماه سال گذشته تعدادی از نمایندگان مجلس از جمله علی مطهری با انتشار نامه ای خطاب به وزارت کشور ضمن حمایت از آنچه که «بیان مطالبات قانونی و شرعی» کارگران اعلام شده بود از برخورد خشن نیروهای امنیتی با کارگران معترض انتقاد کرده بودند.

از سوی دیگر وزارت کار به عنوان متولی کارگران در ایران و بدنه ای از دولت نیز نه تنها تلاشی برای ترغیب کارفرمایان به تن دادن به خواسته های به حق کارگران از جمله پرداخت دستمزدهای معوقه نمی کند بلکه در عمل نیز با عدم شناسایی اعتراضات و اعتصابات کارگری، به نفع کارفرمایان گام بر می دارد.

از طرفی دولتی بودن بیش از حد اقتصاد ایران سبب شده که در عمل حکومت و نهادهای حکومتی به جای ناظر و داور، خود تبدیل به کارفرمایانی پر قدرت شوند که به جای پاسخگویی در برابر خواسته های کارگران، هرگونه اعتراضی را با مجازات های شدید پاسخ دهند.

در چنین شرایطی روشن است که قانون کار ایران با خلاء ها و کاستی های فراوان خود توان حمایت از کارگران را در برابر نهادهای پر قدرتی مانند سپاه پاسداران، نیروی انتظامی، بنیاد مستضعفان و جانبازان، نهادهای وابسته به بیت رهبر

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الكترونيكي تخصصي حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تماس با مجله: mail@iranhr.net

